

شاپرک آمد کنار پنجره

دست بردم تا بگیرم اون پرید

شاپرک باز آمد و آنجا نشست

آفتاب مهربان چون مادری

پشت شیشه آفتاب مهربان

دیده می شد بالهای شاپرک

شاپرک آمد کنار پنجره

دست بردم تا بگیرم اون پرید

شاپرک باز آمد و آنجا نشست

آفتاب مهربان چون مادری

پشت شیشه آفتاب مهربان

دیده می شد بالهای شاپرک

روی شیشه مثل برگی دیده شد

برگی انگار از درختی چیده شد

بال رنگارنگ خود را وا کرد

بالهای نازکش را ناز کرد

می درخشید از میان آسمان

روی شیشه مثل یک رنگین کمان (۲)

روی شیشه مثل برگی دیده شد

برگی انگار از درختی چیده شد

بال رنگارنگ خود را وا کرد

بالهای نازکش را ناز کرد

می درخشید از میان آسمان

روی شیشه مثل یک رنگین کمان (۲)